

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی اتحادیه:

روایتی باستان‌شناسانه از درگیری‌های واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ تهران

حسن کریمیان*

محمد غلام نژاد**، علی نعمتی آبکار***، یاسر جعفری مورکانی****

چکیده

علیرغم توسعه علم باستان‌شناسی و تحقیقات مرتبط با آن در دهه‌های اخیر، جایگاه "باستان‌شناسی تاریخی"، به عنوان یکی از پیشروترین شاخه‌های این علم، در پژوهش‌های مربوط به تاریخ ایران چندان برجسته نیست. بی تردید می‌توان بافت قدیم شهر تهران را کانون ظهور اصلی‌ترین رویدادهای تاریخی سده‌های معاصر ایران به حساب آورد. یکی از نهادهایی که در ۱۴ خرداد ۱۳۲۹ در عرصه سیاسی ایران ظاهر شد «جمعیت ایرانی هواداران صلح» بود که ساختمان این نهاد موسوم به «خانه صلح» در درگیری‌های واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ ویران و برای همیشه متروک گردید؛ لیکن هیچ یک از منابع تاریخی محل دقیق این خانه را مشخص نساخته بودند. در ادامه عملیات مرمت و احیای بافت تاریخی تهران و به منظور خواناسازی فضاهای تخریب شده شهری، کاوشهای باستان‌شناسانه در یکی از مشهورترین مجموعه‌های تاریخی محله لاله زار (خانه اتحادیه) به انجام رسید. در عملیات مرمت و کاوش سال ۱۳۹۴ در این مجموعه تاریخی بقایای یک ساختمان تخریب‌شده به دست آمد که با توجه به شعارها و دیوارنوشته‌های موجود مشخص شد که این بنای تخریب شده همان باشگاه اعضای جمعیت ایرانی هواداران صلح (خانه صلح)

*، دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، hkarimi@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه تهران، gholamnejad.arc@gmail.com

*** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوره اسلامی، دانشگاه تهران، ali.nematiabkenar@gmail.com

**** دانشجوی دکتری مرمت بنا و احیا بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان، yasserjafary@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

است. در نوشتار حاضر تلاش بر آن است تا در پاسخ به این پرسش که باستان‌شناسی تاریخی چگونه می‌تواند چشم اندازهای جدیدی از یک واقعه تاریخی را در اختیار پژوهشگران تاریخ قرار دهد، گزارشی از کشف بنای گم شده مذکور ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: بافت تاریخی تهران، مجموعه تاریخی اتحادیه، باستان‌شناسی تاریخی، خانه صلح، واقعه ۱۴ آذر

۱. مقدمه

باستان‌شناسی "گذشته نزدیک" (Archaeology of recent past) که باستان‌شناسی تاریخی نیز نامیده می‌شود، یکی از شاخه‌های دانش باستان‌شناسی است که در دهه‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در مطالعات این علم یافته و مقالات متعددی در باب مبانی نظری و روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از کاوش‌ها با این رویکرد انتشار یافته‌اند. اگرچه در دانش باستان‌شناسی بیشتر به کشف داده‌های گذشته‌های دور از محوطه‌های باستانی متروک و بازسازی حیات مادی و آیینی جوامع گذشته پرداخته می‌شود، باستان‌شناسان تاریخی رابطه‌ای بلاواسطه با گذشته برقرار کرده و موضوعاتی را مورد واکاوی قرار می‌دهند که بالنسبه هنوز در جامعه امروز قابل مشاهده است. این پژوهشگران به جنبه‌هایی از فرهنگ، سنن و تاریخ مردان و زنانی می‌پردازند که از منظر زمانی دیرزمانی از فقدان آن‌ها نگذشته و تاریخ دوره مدرن را ایجاد کرده‌اند (Oser, 2004, 5). در واقع این شاخه از باستان‌شناسی در تلاش است تا با بررسی مجموعه‌ای از شواهد و متغیرها که در ارتباط نزدیک با تجربه انسانی جامعه معاصر است روایت تاریخی جدیدی از آنچه در گذشته نزدیک روی داده است را بازآفرینی کرده و با در دسترس قرار دادن گذشته، آن را در معرض مشاهده مستقیم قرار دهد. (Majewski and Gaimster, 2009: 334) با توجه به اینکه باستان‌شناسی تاریخی دارای ماهیتی وابسته میان‌رشته‌ای است (Oser, 2004: 19)، چندان شگفت‌انگیز نیست که امروزه پژوهشگران این رشته با طیف وسیعی از متخصصین همانند معماران و مرمتگران، انسان‌شناسان اجتماعی، مورخان، متخصصین ژئوفیزیک، جغرافیدانان و سایر متخصصین دانش‌های مرتبط با باستان‌شناختی همکاری نمایند. باین وجود، متون و منابع مکتوب بیش از سایر ابزارهای باستان‌شناسان تاریخی را در تفسیر و تحلیل نتایج کاوش‌ها و پژوهش‌ها یاری رسانده و به همین سبب این رشته را زمینه‌ساز تعامل متن و ماده و به عبارتی متون تاریخی و داده‌ها و بقایای مادی مکشوفه از کاوشها تعریف کرده‌اند (Hall and Silliman,

1) 2006. باستان شناسان تاریخی همانند مورخان آموخته‌اند که مواجهه آنان با متون می‌بایست محتاطانه و با رویکرد انتقادی باشد که این امر نیازمند تخصص و مهارت در تفسیر اسناد و خوانش متون است. عینا بدین سبب است که پژوهشگران این گرایش انحصاراً به منابع مکتوب اتکا نکرده بلکه اطلاعات تاریخی را با داده‌های باستان‌شناسی، اطلاعات جغرافیایی، شواهد معماری و حتی تغییرات نمای بصری شهرها و ... در هم آمیخته و تحلیل می‌نمایند. به عبارت دیگر، اعتبار باستان‌شناسی تاریخی به قابلیت‌های آن در گردآوری اطلاعاتی ارزشمند از منابع مختلفی است که در نهایت به تحلیلی جامع از موضوع پژوهش می‌انجامد. (Baudry and Symonds, 2011: 15) بدین ترتیب می‌توان باستان‌شناسی تاریخی را دانشی در نظر گرفت که با روش‌های میدانی و ابزارهای مخصوص به خود به پر کردن ابهامات و خلأهای تاریخی و بررسی تحولات اجتماعی و پویایی‌های فرهنگی جوامع دوران پس از انقلاب صنعتی و دوره پسا استعماری در اقصی نقاط جهان می‌پردازد. (Funary & Hall, 1999: 2) با شکل‌گیری این شاخه علمی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تعدادی از باستان شناسان که عمدتاً در دپارتمان‌های انسان‌شناسی آموزش دیده بودند به ثبت و ضبط حیات روزانه و شرایط زندگی مردمانی پرداختند که در مکتوبات و گزارش‌های تاریخی به‌جای مانده از گذشته فراموش و یا نادیده انگاشته شده بودند.

به‌رغم اهمیت روزافزون باستان‌شناسی تاریخی، جایگاه این شاخه از علم در تحقیقات مرتبط با گذشته ایران چندان مورد اعتنا قرار نگرفته و پیشینه پژوهش‌ها در این شاخه از باستان‌شناسی بسیار انگشت‌شمار است. پاسخ به این پرسش که باستان‌شناسی تاریخی چگونه و تا چه میزان می‌تواند در روشن ساختن رویدادهای تاریخی به کمک مورخین بشتابد، نیازمند مطالعاتی میدانی بود. در نیل به این هدف، عملیات مرمت، خواناسازی و آواربرداری از مجموعه تاریخی اتحادیه - در محله تاریخی لاله زار تهران - تجربه‌ای موفق را فراهم آورد. در نتیجه‌ی کاوشهای متکی بر باستان‌شناسی تاریخی در این مجموعه، نتایج ارزنده‌ای به بار آمد که کشف باشگاه «جمعیت ایرانی هواداران صلح» موسوم به "خانه صلح" از آن جمله است. بنایی که در جریان آشوبهای خیابانی و درگیریهای سال ۱۳۳۰ ویران و در زیر خرابه‌های خود مدفون و به فراموشی سپرده شده بود. در ادامه، تلاش گردیده تا با اتکاء به شواهد باستان‌شناسانه تصویری همه‌جانبه و مستند از یک واقعه تاریخی ارائه و چشم اندازهای جدیدی پیش روی پژوهشگران علوم تاریخی قرار گیرد.

۲. مجموعه تاریخی اتحادیه و تحولات تاریخی و معماری آن

خانه تاریخی اتحادیه از جمله بناهای ارزشمند مربوط به دوره قاجاریه در محدوده بافت تاریخی شهر تهران است که به رغم قرارگیری در محدوده‌ای با کاربری غالباً تجاری تا حدود زیادی از گزند تخریب‌های ناشی از طرح‌های توسعه شهری مصون مانده است. این خانه در حدفاصل دو خیابان شمالی و جنوبی محله لاله‌زار قرار دارد و بنا بر شواهد موجود و اسناد تاریخی این مجموعه تاریخی در بخشی از زمین‌های مجاور باغ لاله‌زار^۱ احداث شده است. باغ لاله‌زار به دستور فتحعلی شاه در حدود سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۵ ه. ق در خارج از حصار آن زمان تهران و در اراضی شمالی دروازه اسدالدوله (دروازه دولت بعدی) احداث و قصر لاله‌زار و ابنیه‌ای دیگری در آن بنا شد (میرزایی، ۱۳۸۹: ۸۵). در نخستین نقشه دارالخلافه که در سال ۱۲۴۱ ه. ق توسط سروان ناسکوف ترسیم شده است باغ لاله‌زار به وضوح در بیرون از شهر مشخص (مهریارو دیگران، ۱۳۷۸: ۱۴۸) است. زمین‌های باغ لاله‌زار در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۳ ه. ق توسط ناصرالدین‌شاه به درباریان^۲ فروخته شده است. (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۲۰) این محدوده به سرعت روند تبدیل به محله‌ای تجاری و متجدد را طی کرد و به این ترتیب بسیاری از اشراف و رجال از جمله علی اصغر خان امین السلطان^۳ صدراعظم علاقه مند به برپاساختن باغ و عمارت در آن حوالی شدند. (معتمدی، ۱۳۸۱: ۲۹۲) خانه تحت کاوش نگارندگان (خانه اتحادیه) نیز در این زمان بخشی از اراضی محسوب می شده که در راهنمای نقشه سروان ناسکوف از آن با عنوان «جالیز بدون چیر» یاد شده است. (شکل ۱) در واقع، خانه اتحادیه در ضلع شمال شرقی خانه ای قرار دارد که در نقشه با عنوان «خانه و عمارت جناب ظهیرالدوله» مشخص شده است. (شکل‌های ۲ و ۳)

از آنجائی که ظهیرالدوله نقش مهمی در تبلیغ افکار آزادی خواهانه و مبارزه با نظام استبدادی داشت، در دوران انقلاب مشروطه بنای انجمن موسوم به اخوت، که توسط وی تأسیس شده و در ضلع شمالی خانه او و قسمت غربی مجموعه فعلی اتحادیه فعالیت می کرد، هم‌زمان با واقعه به توپ بسته شدن مجلس مورد هجوم قزاقان قرار گرفت و بخش‌هایی از آن تخریب شد. در نهایت چند سال پس از این واقعه (سال ۱۳۳۴ ه. ق) باغ ظهیرالدوله که در این زمان در مالکیت نصیرخان سردار جنگ قرار داشت و همچنین خانه مجلل امین السلطان در غرب خیابان لاله‌زار در سال ۱۲۹۵ ه. ش توسط حاج رحیم اتحادیه از ورثه او خریداری و عمارات جدیدی در آن بنا گردید که این مجموعه تاریخی تا امروز

متعلق به خاندان اتحادیه است. (اتحادیه نظام مافی، ۱۳۷۷: ۳۹۳ و ۳۹۴) (شکل های ۴ و ۵ و ۶) خانواده اتحادیه اصالتاً آذربایجانی بوده‌اند. در سال ۱۲۶۶ ه. ش (۱۳۰۵ ه. ق) عده‌ای از صراف‌های تبریز شرکتی را با نام شرکت اتحادیه تأسیس کردند که حدود ۱۵ سال فعال بود. نماینده این شرکت در تهران، حاجی لطفعلی، پسر حاجی محمدباقر امین‌الضرب به نمایندگی از طرف شرکت به‌اتفاق پسرش رحیم به تهران آمد و مدتی امور شرکت در تهران را اداره می‌کرد. ولی در ۱۲۷۷ ه. ش با رئیس شرکت اختلاف یافت و قرارداد خود را با شرکت فسخ کرد. پس‌ازاین کار، حاجی لطفعلی و پسرش همچنان در تهران باقی ماندند و مجدداً پدر و پسر شرکتی به همان نام (شرکت اتحادیه) را تأسیس کردند که تا فوت حاجی رحیم در ۱۳۱۳ ه. ش برقرار بود. حاجی رحیم خانه مجلل امین‌السلطان در غرب لاله‌زار را در سال ۱۲۹۵ ه. ش از ورثه او خرید و عمارات جدیدی در آن بنا کرد که این مجموعه تاریخی تا امروز متعلق به خاندان اتحادیه است. (اتحادیه نظام مافی، ۱۳۷۷: ۳۹۳ و ۳۹۴) با درگذشت حاج رحیم اتحادیه در سال ۱۳۱۳ ه. ش، املاک این مجموعه بین فرزندان مختلف وی تقسیم شد و سکونت در آن تا پایان حکومت پهلوی ادامه داشت. همچنین بواسطه نمای زیبا و تاریخی بودن این مجموعه تاریخی در اواسط دهه ۱۳۵۰ خورشیدی از این محل برای تولید مجموعه تلویزیونی دایی جان ناپلئون به کارگردانی ناصر تقوایی استفاده شد. پس از انقلاب اسلامی بخش‌های غربی این خانه تاریخی خالی از سکنه شد و قسمتهایی از آن به دلیل فرسودگی و عدم رسیدگی مالکین دچار تخریب شد. با این همه، سرانجام این مجموعه تاریخی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۸۴ با شماره ثبت ۱۲۰۵۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. در شهریورماه سال ۹۳، بخشی از مجموعه خانه اتحادیه (واقع در قسمت شمالی ورودی کوچه باربد) که از اوایل دهه ۷۰ شمسی به کارگاه‌های شیشه‌بری و غیره تبدیل شده بود در آتش سوخت و درنهایت با توجه به اهمیت این مجموعه تاریخی و تخریبات مداومی که قسمت‌های باقی‌مانده از این مجموعه ارزشمند را تهدید می‌نمود در مهرماه سال ۱۳۹۴ با تصویب شورای شهر تهران سازمان زیباسازی شهرداری این مجموعه تاریخی را از ورثه خریداری نموده و کار مرمت و کاوش باستان‌شناسانه به منظور خوانا سازی فضاهای مختلف آن از تاریخ یکم آذر ۱۳۹۴ آغاز شد که در ادامه منجر به کشف بنای موسوم به خانه صلح گردید.

۳. کاوش و خواناسازی فضاهای مدفون در مجموعه اتحادیه

با آغاز کار مرمت، پاک‌سازی و خواناسازی فضاها و ساختمان‌های مختلف مجموعه تاریخی اتحادیه کوشش شد تا هم‌زمان با اقدامات مرمتی و حفاظتی، سایر اقدامات از قبیل عملیات خواناسازی و پاک‌سازی فضاها و ساختمان‌های مختلف مجموعه به اجرا درآید. به منظور ثبت و ضبط دقیق یافته‌های احتمالی و مواد و اشیاء فرهنگی از قبیل اسناد، سفال، کاشی و گچ‌بری‌ها و سایر داده‌ها، تمامی ساختمان‌ها و فضاها با شماره‌های مخصوص کدگذاری گردیدند. بعلاوه، با توجه به مساحت تقریباً ۹۰۰۰ متری مجموعه کوشش شد تا با ایجاد ترانسه‌های مختلف تمامی حیاط‌ها و قسمت‌هایی از فضای آزاد مجموعه با احتمال وجود آثار معماری احتمالی و نیز اشیاء و آثار فرهنگی مورد کاوش باستان‌شناسانه قرار گیرد. (شکل ۷) لازم به ذکر است که در عکس‌های هوایی به‌جای مانده از این مجموعه بناهای مختلفی در قسمت‌های مختلف این مجموعه دیده می‌شود که پیش از آغاز کاوش‌ها اثری از آن‌ها مشاهده نشده و با تخریب این بناها و باگذشت سال‌های متمادی در زیر توده‌های خاک و حجم فراوان زباله مدفون شده بودند. از این‌رو با مطالعه عکس‌های هوایی کوشش شد تا با کاوش در محل فعلی، بقایای آثار معماری موجود در عکس‌های هوایی نمایان شود. بدین منظور در عملیات خواناسازی این مجموعه تاریخی هفت (۷) ترانسه در قسمت‌های مختلف آن حفر گردید. در این کاوش‌ها، بقایای یک حمام و حوض‌خانه دوره قاجار، چند آب‌انبار و بقایای فضاهای خدماتی و اصطبل‌ها، کف‌سازی‌های متعدد از دوره قاجار و از جمله ویرانه‌های بنای موسوم به خانه صلح - در ضلع شمال غربی این مجموعه (ترانسه ۴) کشف گردید. همچنین در این کاوش‌ها مواد فرهنگی فراوانی از قبیل سفال و کاشی‌های ساده و منقوش دوره قاجار، گچ‌بری و همچنین اسناد و لوازم مصرفی روزمره از آن دوره به دست آمد که تماماً برحسب ترانسه و کانتکست مربوطه طبقه‌بندی شده و با روش‌های باستان‌شناسانه ثبت و ضبط گردیدند.

۱.۳ کشف بنای موسوم به خانه صلح در کاوش در مجموعه تاریخی اتحادیه

در یک تصویر هوایی مربوط به سال ۱۳۲۱ ه.ش ساختمانی در ضلع شمال غربی مجموعه دیده می‌شود که در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شمسی اثری از آن دیده نمی‌شود و معلوم است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۵ شمسی تخریب شده است. (تصاویر ۸ و ۹) همچنین، در گزارش‌های مربوط به ویرانی ساختمانی متعلق به حزب توده در این مجموعه

تاریخ ویرانی این بنا به واقعه کودتای ۲۸ مرداد ذکر گردیده است. بعلاوه، بازماندگان این خاندان نیز در مصاحبه شفاهی^۴ جای ساختمان حذف شده مذکور را مجموعه ای که محل استقرار حزب توده بوده مشخص داشتند که در واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد هجوم و تخریب قرار گرفته است. با این همه، در کاوش این مکان (ترانشه ۴) ویرانه‌های یک ساختمان و شعارنوشته‌های باقیمانده بر ویرانه‌های این بنا یافت گردید و مشخص شد که ساختمان مزبور باشگاه و محل یکی از تشکل‌های وابسته به حزب توده در دهه ۲۰ شمسی به نام "جمعیت ایرانی هواداران صلح" موسوم به "خانه صلح" بوده است.

با بهبود اوضاع سیاسی و مساعد شدن فضای سیاسی برای فعالیت حزب توده که پیش از این در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ و پس از واقعه ترور محمدرضا شاه در روز یادبود تقی ارانی ضربات سختی بر پیکره آن وارد شده و بسیاری از رهبران آن یا رهسپار زندان شده یا تبعید شده و گریخته بودند، نهادها و سازمان‌های مختلفی توسط این حزب و هواداران آن تأسیس شد. بهبود اوضاع سیاسی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ بیشتر از همه معلول انتصاب رزم‌آرا به سمت نخست‌وزیری بود که می‌کوشید تا با کاهش سیطره پلیسی بر نیروهای چپ، اتحاد شوروی را با خود همراه کرده و جبهه ملی را متزلزل نماید. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۸۸) اگرچه قانون ممنوعیت فعالیت حزب توده (مصوب ۱۳۲۸) همچنان لغو نشده باقی ماند، ولی با کاهش فشارهای حکومتی این حزب توانست در پوشش تأسیس نهادهای دیگری همانند انجمن جوانان دمکراتیک، انجمن زنان دمکراتیک، اتحادیه دهقانان و شورای متحده، انجمن ایران آزاد، ائتلاف سندیکاهای کارگران ایران، انجمن روزنامه‌نگاران دمکراتیک و انجمن ایرانی هواداران صلح به فعالیت خود ادامه دهد. در سال‌های نخست پس از پایان جنگ جهانی دوم و زمانی که هنوز اتحاد جماهیر شوروی به سلاح اتمی دست نیافته بود و از سلاح‌های اتمی بلوک غرب در هراس بود تشکیل خانه‌های صلح در سراسر دنیا و بالأخص اروپا توسط نیروهای چپ رونق گرفت. در سال ۱۹۵۰ میلادی کنگره جهانی هواداران صلح توسط نیروهای چپ سراسر دنیا به ریاست ژولیو کوری تشکیل شد. (شکل ۱۰) برپایی این کنگره که مصادف با ۱۳۲۹ شمسی است در ایران نیز انعکاس می‌یابد و قصیده معروف «جغد جنگ» ملک‌الشعرا بهار یادگار این دوران است (رحیمی، ۱۳۷۹: ۹۶). متعاقب تشکیل کنگره جهانی هواداران صلح، در ایران نیز در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۲۹ شمسی «جمعیت ایرانی هواداران صلح» در تهران تأسیس شد و عده‌ای از اساتید دانشگاه و چهره‌های معروف فرهنگی نظیر ملک‌الشعرا بهار، سید علی

شایگان، دکتر علی اصغر حکمت، حائری زاده و تعدادی دیگر به عضویت آن درآمدند. (گلبن، ۱۳۸۹: ۵۳۲) ملک‌الشعرا محمدتقی بهار و عبدالکریم برقی در رأس این جمعیت قرار داشتند و محمود هرمز در مقام دبیر این جمعیت فعالیت می‌کرد. (کیانوری، ۱۳۷۱، ۸۱) همچنین دو روزنامه به نام‌های "سرود پیروزی" و «مصلحت» توسط این جمعیت تأسیس و به‌عنوان ارگان این نهاد معرفی شد. سمت ریاست این انجمن نیز بر عهده‌ی ملک‌الشعرا بهار گذاشته شد و پیام نوروزی این نهاد در سال ۱۳۳۰ شمسی توسط ملک‌الشعرا بهار به ملت ایران ابلاغ شد (همان، ۵۳۴) به هر روی، انجمن ایرانی هواداران صلح خانه‌ای در غرب مجموعه اتحادیه، که به نظر می‌رسد از آغاز دهه ۲۰ در اجاره^۵ حزب توده بوده، را در سال ۱۳۲۹ به باشگاه مرکزی این نهاد تبدیل و به‌عنوان «خانه صلح» نامگذاری نمود. لازم به ذکر است که اگرچه بسیاری از اعضای مؤسس و هواداران این انجمن در زمره اعضای رسمی و هواداران حزب توده نبوده‌اند با این‌همه نقش عناصر توده‌ای در این انجمن بسیار پررنگ بوده و فی‌الواقع برپایی انجمن‌های مزبور پوششی برای فعالیت‌های حزب ممنوع‌الفعالیت توده در این زمان به شمار می‌رفت. در واقع این انجمن به ظاهر مستقل به شمار می‌رفته و لیکن در نهان سیاست‌های آن توسط اعضای حزب توده تنظیم می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۱۴۲) و استفاده از چهره‌های مشهور فرهنگی در هیات ریسه این نهاد استراتژی حزب توده به‌عنوان پوششی جهت ادامه فعالیت‌ها و تبلیغ افکار خود در سپهر سیاسی ایران محسوب می‌شد. اعضای رسمی و شاخص حزب توده نیز نقش پررنگی در انجمن ایفا می‌کردند که از جمله افراد تأثیرگذار در تشکل خانه صلح می‌توان به برادران لنگرانی (مصطفی، مرتضی و احمد) اشاره کرد که هر یک به نوعی در این جمعیت مشغول به فعالیت بوده‌اند. مصطفی لنگرانی در جوانی به حزب توده پیوست و در میتینگ‌های حزبی از سخنرانان و مبلغین حزب بود. مرتضی لنگرانی برادر وی نیز مدیر روزنامه ستاره سرخ و عضو انجمن روزنامه‌نگاران دموکرات و احمد لنگرانی صاحب‌امتیاز روزنامه مصلحت ارگان «خانه صلح» یا «جمعیت هواداران صلح» بود. (هاشمی زاده، ۱۳۸۴: ۳۵۳ و ۳۵۴) خوشبختانه در کاوش‌هایی که در سال ۱۳۹۴ توسط نگارندگان صورت گرفت، بقایای این خانه و فضای زیرزمینی و از جمله شعارهایی که به‌وضوح از «خانه صلح» یاد شده بر دیوار آن یاد شده بود بدست آمد که در ادامه مورد معرفی قرار می‌گیرد.

۲.۳ واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ و تخریب خانه صلح

سال ۱۳۳۰ شمسی، که با قدرت گیری حزب توده در ایران و نخست وزیری دکتر محمد مصدق همراه بود را می توان مرحله جدیدی در تاریخ تحولات سیاسی ایران محسوب داشت. در این سال بود که حزب توده تلاش های خود را جهت تضعیف دولت مصدق و به دست آوردن قدرت سیاسی ادامه داد و در بهار ۱۳۳۰ اعتصابات متعددی در مناطق نفت خیز جنوب به راه انداخت (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۸۹) در ادامه با سفر طولانی دکتر مصدق به سازمان ملل و مصر در مهرماه ۱۳۳۰، مخالفان دولت نظیر طرفداران سلطنت و اعضاء حزب توده تظاهرات متعددی را در تهران و شهرستان ها باهدف در فشار گذاشتن دولت سازمان دهی کردند که این اعتراضات پس از بازگشت دکتر مصدق نیز ادامه یافت. در صبح ۱۴ آذر ۱۳۳۰ تظاهراتی توسط حزب توده در اعتراض به رفتارهای خشن و بدرفتاری علیه دانشجویان و دانش آموزان دبیرستان به راه افتاد و کمیته مرکزی حزب از اعضا خود خواست تا در این تظاهرات که از دانشگاه تهران آغاز و به میدان بهارستان منتهی می شد شرکت کنند. (چگینی، احمدی، ۱۳۸۸: ۲۷۰) همزمان، طرفداران جبهه ملی و دکتر مصدق و آیت الله کاشانی جهت خنثی کردن این حرکت هواداران حزب توده به خیابان ها ریختند و تجمع عظیمی در مرکز شهر تهران توسط هواداران احزاب راست گرا نظیر حزب سومکا و پان ایرانیست و حزب زحمتکشان و همچنین هواداران جبهه ملی صورت گرفت. پس از اختتام این تجمع جمعیت به شهر هجوم آورد و در خیابان فردوسی، خانه صلح و روزنامه های به سوی آینده، بدر، تئاتر سعدی، روزنامه نوید آزادی، فرمان، آتش، سیاسی، طلوع را مورد هجوم قرار داده و آتش زدند. در ادامه با دخالت پلیس زدوخورد خونینی آغاز شد و عده زیادی از تظاهرکنندگان مقتول و مجروح و مصدوم شده و چند پاسبان و درجه دار هم به قتل رسیدند. (عاقلی، ۱۳۷۴: ۴۵۷ و ۴۵۸) از جمله آثار تخریب شده در این تظاهرات، خانه انجمن ایرانی هواداران صلح بود که به خانه صلح شهرت داشت. آنچنانکه از مصاحبه شعبان جعفری^۷ بر می آید این خانه نیز توسط وی و دسته جات حامی او مورد تخریب قرار گرفته است (سرشار، ۱۳۸۱: ۸۹-۱۰۶)

در کاوش خانه مذکور شعارهایی نظیر «مرگ بر مصدق و اوباشان» بر ویرانه های این بنا یافت شد که معلوم می دارد به اعتقاد هواداران حزب توده حمله ارادل و اوباش به رهبری شعبان جعفری در تاریخ ۱۴ آذر به مراکز و روزنامه های این حزب در تهران با هدایت و همکاری دولت دکتر مصدق و نهادهای وابسته به آن صورت گرفته بود. دلیل این امر نیز

بی تفاوتی و همکاری عوامل شهربانی در وقایع روز ۱۴ آذر با دسته‌های اراذل و اوباش و حمله کنندگان به مراکز حزب توده بود. لازم به ذکر است که ریاست شهربانی در این تاریخ بر عهده سرلشکر مزینی بود که از سوی دکتر مصدق به این سمت منصوب شده بود. وی دارای گرایش عمیق ضد توده‌ای بود و جهت سرکوب تظاهرات خیابانی هواداران حزب توده در مدت ریاست دو ماهه بر شهربانی، شعبان جعفری را با حقوق ماهی سیصد تومان به استخدام شهربانی درآورده بود. (احمدی و چگینی، ۱۳۸۸: ۲۷۱) به دنبال این واقعه دولت دکتر مصدق به شدت توسط نمایندگان هوادار سلطنت و مخالفان در مجلس شانزدهم تحت فشار قرار گرفت^۸. دکتر فاطمی که در آن زمان سمت معاونت نخست‌وزیر را بر عهده داشت در مصاحبه‌ای حوادث ۱۴ آذر را نقشه‌ای از سوی هواداران حزب توده، چماق داران درباری و اعضای افراطی جبهه ملی جهت تحت فشار قرار دادن دولت دانست. در نهایت با ورود دولت جهت اعلام مقصرین حادثه، شعبان جعفری و دسته هواداران او مقصر اصلی این واقعه اعلام شده و او رهسپار زندان شد. با آرام شدن نسبی اوضاع شرح وقایع ۱۴ آذر و نقش احزابی چون حزب زحمتکشان و سومکا و پان ایرانیست در این غائله در روزنامه‌ها و مجلات آن زمان منعکس شد^۹.

۴. کشف بنای خانه صلح

محل فعلی ساختمان رؤیت شده در عکس هوایی سال ۱۳۲۱ در ضلع شمالی حیاط شمال غربی مجموعه اتحادیه، پیش از آغاز عملیات کاوش به دو قسمت تقسیم شده و بخش غربی آن به عنوان عنوان پارکینگ مورد استفاده قرار گرفته و بخش شرقی نیز به شکل یک فضای محصور به یک حیاط شخصی و باغچه تبدیل شده بود. لکن با توجه به بلندتر بودن سطح این قسمت از حیاط ضلع شمال غربی در مقایسه با قسمت‌های دیگر حیاط، احتمال کشف ویرانه‌های ساختمان مزبور با کاوش در این قسمت از بنا محتمل می‌نمود. از این رو و در ادامه روند کاوش در قسمت‌های مختلف مجموعه اتحادیه، حیاط وسیع ضلع شمال غربی مجموعه اتحادیه با نام ترانشه ۴ در نظر گرفته شد و کار کاوش در این حیاط از تاریخ ۹۴/۱۰/۱ آغاز شد. (شکل ۱۱) تمامی قسمت‌های حیاط مزبور پیش از کاوش از یک لایه خاک نرم به ضخامت تقریبی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر پوشیده شده بود. عملیات خاک‌برداری و پیگردی در این حیاط ابتدا در قسمت اصلی حیاط و ضلع جنوبی پارکینگ و فضای محصور آغاز شد و با کاوش در این فضا یک حوض بیضی شکل با یک سکو در ضلع

شمالی (احتمالاً مربوط به اواخر دوره قاجار) در قسمت مرکزی حیاط و همچنین پیاده‌روها و کف‌های آجری در حاشیه اضلاع غربی، جنوبی و شرقی این حیاط به دست آمد. (شکل های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴) حوض بیضی شکل واقع در قسمت مرکزی این فضا دارای یک کف آجری و یک دریچه انتقال آب به فواره در قسمت مرکزی است.

با اتمام کار کاوش در حیاط جنوبی، کار کاوش ضلع شمالی حیاط و فضای محصور واقع شده در این قسمت ضلع که با احداث یک دیوار در دوره متأخر به باغچه و حیاط خصوصی یکی از خانه‌های مجموعه تبدیل شده بود آغاز شد. پیش از آغاز کاوش در سطح این فضا یک لایه خاک نرم (خاک باغچه) مشاهده می شد که سطح آن با چمن و سایر گیاهان پوشیده شده و بخشی از قسمت‌های آن نیز با احداث باغچه به کاشت درختان و گل اختصاص یافته بود. (شکل ۱۵) با تسطیح سطح این قسمت از ترانشه جهت آماده‌سازی آن برای کاوش، در همان ابتدا در ضلع شرقی این فضا یک سازه آجری آشکار شد که با ادامه پاک‌سازی آن و نشست زمین، یک سقف تخریب شده با طاق هلالی در این قسمت مشخص شد. (شکل های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸) درون این فضا با یک لایه انباشت خاک و آجر پر شده بود و قطعات فراوان گچ‌بری شکسته در انباشت درون این فضا مشاهده می شد. با ادامه کار کاوش در این فضا و پاک‌سازی آن مشخص شد که فضای فوق عبارت از یک فضای ورودی با پله‌های آجری است که از یک سو به حیاط و از جانب غربی به طبقه زیرین بنای به دست آمده متصل شده و دارای طاقچه‌ای در ضلع شمالی است. نخستین شعارهای سیاسی یافت شده در این بنا از این فضا به دست آمد و شعارهای «زنده باد صلح» و «مرگ بر حزب منفور سومکا» بر سطح این طاقچه نوشته شده که متأسفانه با گذر زمان خطوط آن بسیار محو شده و به سختی قابل خواندن است. همچنین از دیگر یافته‌های این زیرزمین می توان به تعداد زیادی قطعات گچ‌بری، ظروف و لیوان‌های سفالی اشاره کرد که در این مکان به دست آمدند. (شکل ۱۸) چنین ظروفی پیش از این در مقیاس فراوان از کاوش در سایر ترانشه‌ها نیز به دست آمده بودند. با توجه به کشف فضای زیرزمین، عملیات کاوش از ورودی ضلع غربی این فضا به سمت قسمت مرکزی ادامه یافت و با ادامه کاوش بخش‌هایی از سقف فروریخته بین زیرزمین و طبقه همکف این فضا آشکار شد. با یافته شدن بخش‌های تخریب شده‌ی سقف و آشکار شدن پی دیوارهای طبقه همکف این فضا مشخص شد که طبقه اول این فضا کاملاً تخریب شده و آنچه از معماری این بنا برجای مانده است تنها شامل زیرزمین این فضا می شود. با ادامه کاوش، آثار دو

طاقچه و یک دیوار دیگر نیز در ضلع شمالی این بنا آشکار شد که بر روی این طاقچه‌ها نیز آثار شعارهای سیاسی مشاهده می‌شود. همچنین دو طاقچه دیگر در دیوار ضلع غربی زیرزمین به دست آمده یافت شد که شعار «این جنایات فاشیستی کیفر عادلانه به دنبال خواهد داشت» بر روی یکی از آن‌ها نگاشته شده است. (شکل ۱۹) با توجه به شعار یافت شده در زیرزمین بنا که بر علیه حزب فاشیستی سومکا نوشته شده است و سایر شعارهایی که در ادامه کاوش از این فضا علیه دسته‌های اوباش و دکتر مصدق و جبهه ملی نظیر «مردم باد مصدق و اوباشان» به دست آمد می‌توان نظر هواداران این جمعیت و هواداران حزب توده را در مورد عوامل اصلی و طیف‌های مختلف مسبب حمله به این بنا را دریافت که در بخش پیشین مقاله به آن اشاره شد.

با گسترش کاوش به سمت شمال ترانشه علاوه بر یک طاقچه تخریب شده در ضلع جنوبی، سه طاقچه یافت شده در ضلع شرقی و دو طاقچه یافت شده در ضلع شمالی، سه طاقچه دیگر نیز در ضلع شمالی این بنا به دست آمد که بر روی این طاقچه‌ها نیز آثار شعارهای سیاسی دیده می‌شود (شکل ۲۰). هرچند که برخی از این شعارها به علت محو شدن و تخریب دیواره‌های بنا چندان قابل تشخیص نیست. شعار سیاسی مهمی که در ادامه کاوش و در حین کاوش قسمت غربی این فضا به دست آمد و تعلق بنای به دست آمده به انجمن ایرانی هواداران صلح یا «خانه صلح» را قطعی نمود شعاری است که با رنگ قرمز بر دیوار غربی بنا نوشته شده و بخش‌هایی از آن به دلیل تخریب دیوار ضلع غربی از بین رفته است. متن به جای مانده این شعار عبارت از «...خود دستور دادند تا خانه صلح را غارت کنند» است که با توجه به ادبیات جمله می‌توان انگاشت بخش تخریب شده می‌تواند مفهومی از قبیل «به [مزدوران] خود دستور دادند خانه صلح را غارت کنند» داشته باشد. (شکل ۲۱) لازم به ذکر است که در کاوش انباشت درون این فضا به جز تعدادی سفال‌های معمولی و روزمره مصرفی و قطعات گچ‌بری مربوط به بنا و لیوان‌های سفالی آثار شاخص دیگری به دست نیامد و به نظر پس از واقعه تخریب و غارت بنا، تمامی وسایل موجود در این بنا کاملاً تخلیه شده است. با توجه به تخریب مجدد بخش‌هایی از شعارنوشته‌هایی که از بعد از وقایع ۱۴ آذر توسط هواداران و اعضای حزب بر ویرانه‌های بنا نوشته شده است، احتمالاً پس از حادثه تخریب و آتش‌سوزی این بنا، بخش‌های دیگری از بنا توسط مالکین تخریب و تسطیح شده و به صورت یک حیاط خصوصی و باغچه درآمد است. خانم لطیفه اتحادیه که شخصاً شاهد حادثه آتش‌سوزی و تخریب بنا بوده‌اند نیز به پر شدن

عمدی این بخش از مجموعه بعد از واقعه حمله و استفاده از مصالح سالم به جای مانده از آن در قسمت‌های دیگر این مجموعه اشاره شده است. (گفتگوی شخصی، ۱۳۹۴) این امر با توجه به عدم یافته شدن حتی یک قطعه آجر سالم در کاوش انباشت درون این فضا قابل تأیید است.

در پی خاک برداری از طبقه زیرین بنای موسوم به خانه صلح ساختار این بنا تا حدی مشخص شد. (شکل‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴) کف این زیرزمین دارای اندود آهکی و دیوارهای آجری آن با اندود گچی پوشیده شده است. قسمت پایین دیوارها با رنگ طوسی و قسمت فوقانی آن‌ها با رنگ سفید رنگ آمیزی شده است. بنا با دو دیواره جداکننده به سه قسمت تقسیم شده و دسترسی به این فضا از طریق ورودی زیرزمین یافت شده در ضلع جنوب شرقی امکان پذیر بوده است. بنا در وضعیت فعلی دارای ۴ اتاقچه در ضلع غربی، ۳ اتاقچه در قسمت جنوبی، یک اتاقچه در قسمت جنوبی و هفت اتاقچه در ضلع شمالی است که عمده شعارهای سیاسی در فضای داخلی اتاقچه‌ها نگاشته شده است. شعارهایی که در حال حاضر و پیش از انجام اقدامات مرمتی قابل بازخوانی هستند شامل عبارات ذیل می‌شوند:

۱. زنده باد صلح ۲. مرگ بر حزب منفور سومکا ۳. این جنایات فاشیستی کیفر عادلانه به دنبال خواهد داشت ۴. ... خود دستور دادند خانه صلح را غارت کنند ۵. پاینده باد صلح ۶. صلح شعار ملت‌هاست ۷. صلح برپا خواهد شد ۸. مرده باد مصدق و اوباشان ۹. مرگ بر دولت مصدق خائن ۱۰. صلح شعار ملت‌هاست ۱۱. مرگ بر شاه

متعاقب پایان کاوش در فضای محصور قسمت شرقی کار کاوش در فضای پارکینگ آغاز شد و برخلاف فضای قسمت شرقی، به جز بقایای تعدادی دیوار و پی آجری، سازه معماری مشخصی در این فضا به دست نیامد و به نظر این بنای تخریب شده برخلاف فضای ضلع شرقی فاقد زیرزمین بوده است. با این همه با توجه به پی‌های برجای مانده می‌توان تصور کرد که این بنا از ۴ اتاق تشکیل می‌شده است. (شکل‌های ۲۵ و ۲۶ و ۲۸) لازم به ذکر است که در ادامه کاوش آثار یک فضای ورودی پله‌دار مشابه با ورودی شرقی مجموعه در قسمت غربی بنا نیز به دست آمد که متأسفانه به دلیل قرارگیری آن در قسمت ورودی مجموعه (ورودی کوچه هنر) ادامه کاوش آن میسر نشد. با توجه به عدم یافته شدن مصالح و قطعات آجر از این بنای تخریب شده که قاعدتاً می‌بایست پس از تخریب در این بنا یافت شود و همچنین پر شدن این بنا با یک لایه انباشت خاک مخلوط با سنگریزه و بدون مواد فرهنگی می‌توان تصور کرد که بنا پس از تخریب اولیه، توسط مالکان تسطیح

شده و پس از انتقال مصالح قابل استفاده آن نظیر آجر برای استفاده در سایر قسمت های مجموعه، محدوده فضای مزبور جهت کاربری های دیگری نظیر پارکینگ مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر شدت عمل حمله کنندگان به این ساختمان و شدت تخریب به گونه ای بوده است که از نظر مالکین غیرقابل بازسازی محسوب شده و تنها به تسطیح این فضا اقدام نموده اند. (شکل ۲۹)

۵. نتیجه گیری

اگرچه در متون و اسناد مربوط به سال های ملی شدن صنعت نفت و اواخر دهه سی به کرات به انجمن ایرانی هواداران صلح و فعالیت های آن و خانه صلح اشاره شده، پیش از عملیات مرمت، آواربرداری و کاوش باستان شناسانه در مجموعه بناهای تاریخی اتحادیه هیچ اطلاعی از این بنا در دست نبود و تنها به ویرانی آن در واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ اشاره شده بود. از این رو متعاقب مطالعات اسنادی و با استفاده از تصاویر هوایی نه تنها محل فعالیت انجمن ایرانی هواداران صلح (خانه صلح) مشخص شد، بلکه معلوم گردید که ویرانی این بنا نه به هنگام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بلکه به صورت کامل در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۰ و در درگیری ها و آشوب های خیابانی این تاریخ در شهر تهران صورت گرفته است.

در نتیجه این کاوش، نه تنها ساختمان خانه صلح از زیر خاک خارج و هویت بصری و کالبدی این بنای تاریخی مشخص گردید، بلکه شواهدی بسیار متنوع و اصیل از رویدادی تاریخی مانند درگیری های واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ تهران بدست آمد. عملیات کاوش در این مجموعه تاریخی همچنین معلوم داشت که چگونه مطالعات باستان شناسی و بالأخص باستان شناسی معاصر می تواند با کمک مورخان و محققان علم تاریخ رویدادهای تاریخی را مورد مطالعه و با ابزار و شیوه های خاص خود روایات تاریخی گاه مغشوش و متضاد از یک واقعه تاریخی را اعتبار سنجی نماید. بعلاوه، پروژه مرمت و خواناسازی مجموعه تاریخی اتحادیه بیش از هر چیز ضرورت حضور باستان شناسان در پروژه های مرمتی بافتهای تاریخی شهرها را روشن ساخت و معلوم داشت که حضور باستان شناسان در پروژه های مرمتی، مرمتگران را قادر خواهد ساخت تا به درک درستی از فرم و عملکرد بناها و مجموعه های تاریخی دست یابند. پژوهشی که نتیجه آن در نوشتار حاضر ارائه گردیده همچنین موجبات شکوفایی باستان شناسی گذشته نزدیک را فراهم می سازد. گرایش از باستان شناسی که به رغم نمود انگشت شمار فعالیت آن در کشورمان، با رهیافتهای

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۶۳

باستان‌شناسی تاریخی و باستان‌شناسی معاصر بخشی مهمی از مطالعات این علم را به خود اختصاص داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مهدی قلی خان هدایت در توصیف لاله‌زار در این زمان می‌نویسد: «لاله‌زار باغی بود بین خیابان لاله‌زار و میدانی در متمم خیابان اسلامبول و خیابان ماشین که حال اکباتان نام نهاده‌اند قسمت شرقی آن را باغ‌وحش می‌گفتند حال همه عمارت شده است. خیابان لختی (سعیدی کنونی) آن دو قسمت را از هم جدا کرده است. ناصرالدین‌شاه لاله‌زار را به نود هزار تومان فروخت.» (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۱). در نقشه عبدالغفار که از اسناد تصویری معتبر این دوره محسوب شده و در سال ۱۳۰۹ ه.ق ترسیم شده است محدوده‌ای که در حال حاضر محدوده خانه اتحادیه در آن قرار دارد در سه قسمت اصلی دیده می‌شود. قسمت غربی در واقع بخشی از ملکی را تشکیل می‌دهد که در نقشه با عنوان «خانه و عمارت جناب ظهیرالدوله» مشخص شده است. همچنین با انطباق این نقشه با وضعیت موجود مجموعه می‌توان دریافت که احتمالاً بخش‌هایی از قسمت جنوبی باغ موسوم به "باغ جناب ناصرالملک" نیز در محدوده کنونی خانه اتحادیه قرار داشته است. در نقشه عبدالغفار زمین‌های واقع در بخش شرقی محدوده خانه اتحادیه بدون نام هستند که با بررسی و مطالعه اسناد خاندان حاج حسین امین‌الضرب توسط عبدالله انوار تا حدودی از این مسئله رفع ابهام شده است. وی یکی از این دو زمین بیاض مجاور را متعلق به فردی به نام مسیو دمورنی و دیگری را متعلق به یکی از شاهزادگان قاجار به نام حاجی سیف‌الدوله دانسته است که ظاهراً در زمانی نامعلوم توسط میرزاعلی اصغر خان امین‌السلطان خریداری شده‌اند. (انوار، ۱۳۷۲: ۳۱)

۲.

چهار نفر از رجال دولت علیه شراکت نموده، باغ لاله‌زار را ابتیاع کرده‌اند به نود هزار تومان؛ جناب جلالت‌مآب حاجی امین‌السلطنه، جناب مخبر‌الدوله، جناب امین‌همایون و جناب محمدتقی خان معز‌الملک. تمام تنخواه آن راه، هر یک به قدر سهم خودشان تحویل بانک شاهنشاهی داده، عوض طلب، سند و قبالة گرفتند (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۸۶: ۲۱۵)

۳. میرزاعلی اصغر خان سومین نخست‌وزیر مشروطه پسر ابراهیم امین‌السلطان که در دربار ناصرالدین‌شاه مقام وزارت داخله و دربار را داشت، وی در سال ۱۲۷۴ قمری در تهران متولد شد. در سال ۱۳۱۰ هجری قمری منصب و لقب صدراعظم به او اهدا شد و تا زمان ترور ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۳ قمری صدراعظم او بود. (حبیبی و وثوقی ۱۳۸۷: ۲۸۳)

۴. در گفتگوهای شفاهی با بازماندگان خاندان اتحادیه و بالاخص آقای بابک اتحادیه ایشان محل خانه اجاره‌ای به حزب توده را در قسمت غربی مجموعه و متعلق به شاخه جوانان حزب توده معرفی نموده و اظهار داشتند که این خانه در جریان ۲۸ مرداد در آتش سوخته است. (گفتگوی شخصی، ۱۳۹۴) آقای بابک اتحادیه فرزند اسماعیل آقا اتحادیه هستند. ایشان آخرین فرد از خاندان اتحادیه بودند که در این خانه حضور داشته و در کارگاه نجاری مجاور سردر ورودی مجموعه به کار ساخت اشیاء و وسایل نفیس چوبی اشتغال داشتند. ایشان اطلاعات بسیار خوبی در مورد برخی از ابهامات موجود در مجموعه در اختیار نگارندگان قرار دادند. ایشان از خانه صلح با عنوان دفتر (باشگاه) جوانان حزب توده یاد کرده و آتش سوزی آن را هم زمان با جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ یاد نمودند. لیکن با توجه به شواهد مستند یافت شده و گزارش منابع این بنا پس از واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ به صورت کامل متروک شده و با توجه به حجم گسترده خرابی‌ها تنها از سوی مالکان تسطیح شده و پس از پر کردن و تسطیح بنا به عنوان یک باغچه خصوصی مورد استفاده قرار گرفته است.

۵. به نوشته عبدالله انوار

در پیاده روی شرقی خیابان فردوسی در همین حوالی در نخستین سال‌های حکومت پهلوی دوم حزب توده ایران باشگاه مرکزی خود را در یکی از منازل مشرف به خیابان فردوسی دایر کرد و آن منزلی بود از سرلشکر امیر فضلی که حزب به اجاره گرفته بود و تا سال ۱۳۲۷ شمسی یعنی تا زمانی که حزب توده غیرقانونی اعلام نشده بود خیابان فردوسی به واسطه آن باشگاه حزبی ناظر بسی میتینگها و زدوخوردهای خیابانی و رژه‌های افراد حزبی بود. (انوار، ۱۳۷۲: ۳۴)

این حزب در این مکان مردم را به دیدن فیلم‌های تبلیغاتی که پیشرفت‌های محیرالعقول اتحاد جماهیر شوروی را می‌ستود دعوت می‌کند. (اتحادیه و فرمان، ۱۳۹۱: ۲۲۸)

۶. با مراجعه به خاطرات شعبان جعفری که از عوامل اصلی واقعه ۱۴ آذر بود به نظر می‌رسد که در ابتدا قتل عوامل و افسران شهربانی توسط هواداران حزب توده موجب تحریک هواداران سایر احزاب و دسته‌های اراذل و اوباش همدست با آنان را فراهم آورده است. مرور خاطرات شعبان جعفری (سرشار، ۱۳۸۱) تا حدود زیادی به روشن شدن روند این واقعه کمک می‌کند:

س- بله روز ۱۴ آذر که شما رفتید به چندین روزنامه و خانه صلح حمله کردید. ج- بله همون ۱۴ آذر. خدمت شما عرض کنم که توده ایا اون سرهنگ نوری شاد رو تو خیابون فردوسی زدن کشتن. بعد پسرش علی نوری شاد اومد پیش من و گفت: «آقا بابامو زدن اونجا کشتن!» باباشم اونجا رئیس کلانتری جلو مجلس بود. ما پا شدیم ده بیست تا رو جمع کردیم رفتیم اونجا که دیدیم بعله نعشش تو خیابون افتاده. علی ام افتاده زار و زار گریه میکنه. گفتم: «کی کشتش؟» گفت: «توده ایا». حالا میخوان بیان نعشو وردارن، این توده ایا سنگ میپرونن و شلوغ میکنن و نمیدارن. خیلی پر رو و زیادشده بودن. نمیداشتن نعش اینو وردارن. ما رفتیم خلاصه یه خرده به اینا پریدیم و نعشو گذاشتیم تو ماشین دادیم بردن.

۷. بعد چند تایی به ما گفتن: «آقای جعفری، خانه صلح اونجاست تو خیابون فردوسی!» گفتیم: «بچه‌ها بریم خانه صلح!» و ریختیم اون تو. رفتیم تو خانه صلح و خلاصه یه مشت لباسای

روسی و چکمه های روسی و کبوتر سفید و خیلی چیزها اون تو بود. یه عده ای اون تو بودن فرار کردن. خلاصه، ما اونجا رو زدیم بهم و بچه هام صندلیا رو شکستن - از اون صندلی لهستانیا بود. پایه صندلیا رو گرفته بودن دستشون و میزدن به این صندلیا و میخوندن: «خونه صلح آتیش گرفت...» (سرشار، ۱۳۸۱: ۸۹-۱۰۶)

۸. در صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در دویستمین جلسه از شانزدهم دوره قانون گذاری روز شنبه ۲۳ آذر ۱۳۳۰، نمایندگان به وقایع روز ۱۴ آذر ۱۳۳۰ و حمله به خانه صلح و آتش زدن آن اشاره نموده اند. در زیر بخش های مرتبط آمده است:

جمال امامی - خانه صلح اگر مال توده است باید نمی گذاشتید افتتاح شود دولت چرا باید آن را آتش بزند اگر این بد بود رئیس دولت شما پیشوای سیاسی شما پیشوای روحانی شما روسای جبهه ملی که در آنجا عضو بودند این ها را هم پس آتش بزنید. یک روز قبل از این اوضاع قبل از آتش زدن این خانه دو نفر از اعضای جبهه ملی از آنجا استعفا دادند معلوم می شود اطلاع داشتن که آنجا را آتش می زنند. آخر خانه صلح را چرا می گذارید تشکیل بشود اگر برخلاف قانون است چرا باید تشکیل بشود و دولت بعد برود آنجا را آتش بزند؟ یک کس دیگری آن را اجاره کرده چهاردیواری تئاتر سعدی را آیا باید آتش زد اگر این توده ایست و برخلاف مقررات و مصلحت مملکت است مانعش بشوید این ها را بگیرید و تارومارشان کنید خانه را چرا آتش می زنید (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۳۰: ۳ و ۴)

۹. در مجله خواندنی های شماره ۳۱ به تاریخ ۲۳ آذرماه ۱۳۳۰ در مقاله ای با عنوان «جزئیاتی از زدوخورد چهاردهم آذر» به وقایع این روز اشاره شده است: «... چماق به دست ها که تا اینجا وظیفه خود را مقدس و مبارزه با توده ای می دانستند شروع به چپاول و غارت اماکن - کتابخانه ها - خانه ها و خانه صلح و مغازه ها نمودند... در خانه صلح کبوتر بزرگ را بیرون کشیده و سوارش شده بودند و با چوب او را می زدند و می گفتند (کفتر صلحم بغبغو - جان من پیر بغبغو)... مدارکی که از خانه صلح به دست آمده هنوز مرتب نشده و مقداری از آن در اختیار پلیس است و مقداری هم در اختیار پان ایرانیست ها است که الحق و الانصاف در زدوخورد پیروز سهم بسزایی داشته و بی باکانه مخالفین را می کوبیدند و آتش می زدند و نابود می ساختند... (مجله خواندنی ها ۱۳۳۰: ۲۱)

۱۰. این شعار که با رنگ قرمز نوشته شده بود کلید حل معمای این خانه بود، چراکه تا پیش از کشف این محل، هیچ یک از افرادی که تا آن زمان با آن ها مصاحبه شده بود اطلاعی از محل دقیق این بنا نداشتند.

کتاب نامه

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، **چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)**، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- اتحادیه نظام مافی، منصوره (۱۳۷۷)، **اینجا تهران است**، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه نظام مافی، منصوره (۱۳۹۱)، **حکایت یک زن در زیروهم روزگار؛ زندگینامه عزت السلطنه نظام مافی**، تهران، نشر تاریخ ایران.
- انوار، سید عبدالله (۱۳۷۲)، **تهران**، جلد ۳، تهران، انتشارات روشنگران.
- پرونده ثبتی خانه اتحادیه (۱۳۸۴)، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- صحرائورد، محمد (۱۳۹۲)، **نخستین گام‌های هنر ضد جنگ**، نشریه بین‌المللی مکعب، شماره ۲۹
- صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دویست و دهمین جلسه از شانزدهم دوره قانونگذاری**، ۱۳۹۵/۶/۱۱، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، <http://www.ical.ir>
- چگینی، محمد، احمدی، مهدی (۱۳۸۸)، **قضیه ۱۴ آذر به روایت اسناد مجلس**، پیام بهارستان، شماره ۶.
- حیبی، حسن، وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷)، **بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس**، تهران، انتشارات بنیاد ایران‌شناسی.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۷۹)، **قرن روشنفکران فرانسه از ۱۸۹۸ تا ۱۹۹۸**، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۵۹ و ۱۶۰
- سرشار، هما (۱۳۷۸)، **شعبان جعفری**، لس‌آنجلس: نشر ناب
- عاقلی، باقر (۱۳۷۹)، **روزشمار تاریخ از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، تهران، نشر گفتار.
- (۱۳۸۰)، **شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران**، جلد اول، تهران، نشر گفتار.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، جلد ۱، تهران، اساطیر.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱)، **خاطرات**، چاپ اول، تهران، موسسه‌ی تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۵)، **ایران جامعه کوتاه مدت و سه مقاله دیگر**، ترجمه عبدالله کوثری، چاپ چهارم، تهران، نشر نی
- گلبن، محمد (۱۳۸۹)، **ملک‌الشعرا بهار و مبارزه در راه صلح**، مجله بخارا، شماره ۷۶.
- مجله خواندنی‌ها، (۱۳۳۰)، **جزئیاتی از زدوخورد چهاردهم آذر**، شماره ۳۱
- معمدی، محسن، (۱۳۸۱)، **جغرافیای تاریخی تهران**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- مهریار، محمد. فتح‌الله یف، شامیل و فخار تهرانی. (۱۳۷۸)، **اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- میرزایی، مریم (۱۳۸۹)، **باغ‌های لاله زار**، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۳۲
- نظام السلطنه مافی، حسینقلی خان (۱۳۸۶)، **خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مافی**، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه مافی، تهران، نشر تاریخ ایران

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۶۷

هاشمی زاده، ایرج (۱۳۸۴)، مرگ یک دگراندیش (درگذشت مصطفی لنگرانی در وین)، مجله بخارا، شماره ۴۲

Beaudry, M.C and Symonds, j. 2011. Interpreting the Early Modern World, transatlantic perspectives, New York, springe

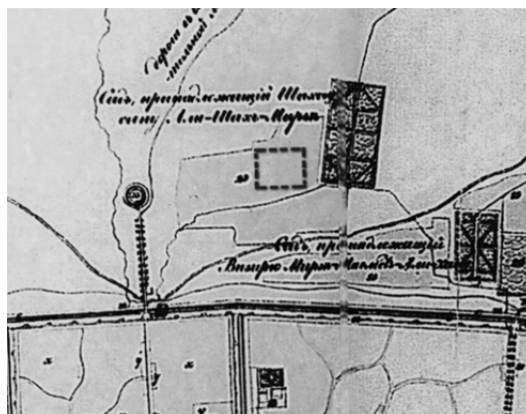
Funari, P.A, Hall, M and Jones, S. 1999. Historical Archaeology, back from the edge, London, Routledge

Hall, M and Silliman, S.W. 2006 .Historical Archaeology, Oxford, Blackwell Pub

Majewski, T and Gaimster, David. 2009. International Handbook of Historical Archaeology, New York, Springer

Oser, C.E, 2004. Historical Archaeology, Upper Saddle River, New Jersey, Pearson Education

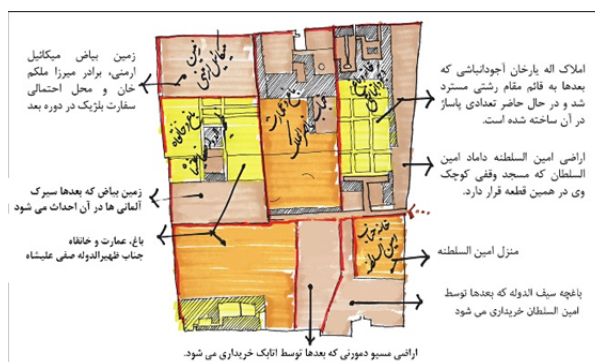
پیوست‌ها



شکل ۱. موقعیت تقریبی محدوده در نقشه سروان ناسکوف در سال ۱۲۴۱ ه.ق.



شکل ۲. موقعیت تقریبی محدوده در نقشه عبدالغفار در سال ۱۳۰۹ ه.ق.



شکل ۳. وضعیت پلاک‌های محدوده بر اساس نقشه عبدالغفار (۱۳۰۹ ه.ق).



شکل ۴. حاج رحیم آقا اتحادیه در میان کارمندان تجارتخانه.

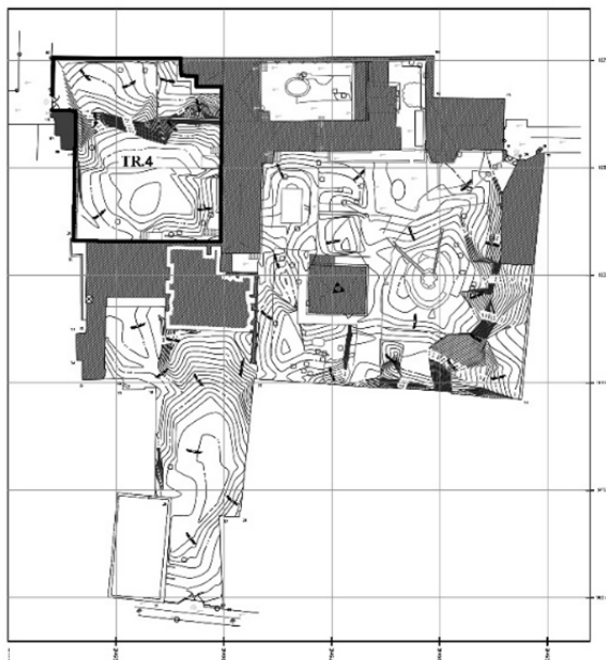
کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۶۹



شکل ۵: نمای جنوبی ساختمان خانه صلح پیش از تخریب.
(مأخذ: اسناد مکشوفه از خانه اتحادیه)



شکل ۶: حوض مقابل ساختمان خانه صلح پیش از تخریب
(مأخذ: اسناد به دست آمده از خانه اتحادیه)



شکل ۷. موقعیت ترانشه ۴ در ضلع شمال غربی مجموعه اتحادیه
پیش از آغاز عملیات خوانا سازی



شکل ۸. محدوده شمال غربی خانه اتحادیه و ساختمان موسوم به خانه صلح
در عکس هوایی سال ۱۳۲۱ شمسی.
(مأخذ: آرشیو شخصی مهندس بیژن شافعی)

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۷۱



شکل ۹. وضعیت ساختمان خانه صلح پس از تخریب در سال ۱۳۳۵ شمسی.
(مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور)



شکل ۱۰. نشان جمعیت هواداران جهانی صلح کبوتر روی یک کارت تبریک عید نوروز.
(مأخذ: اسناد به دست آمده از خانه اتحادیه)
این نماد پس از جنگ جهانی دوم، توسط پیکاسو برای نشان دادن صلح و دوستی به عنوان نشان کنگره جهانی صلح در پاریس در سال ۱۹۴۹ استفاده شد. (صحرائورد، ۱۳۹۲: ۱۵)



شکل ۱۱. نمایی از حیاط شماره ۳ موسوم به حیات «هنر»
پیش از آغاز عملیات خوانا سازی



شکل ۱۲. مشخص شدن کف‌سازی آجری حیاط و حوض بیضی شکل
در ابتدای عملیات خاک‌برداری در ترانشه ۴

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۷۳



شکل ۱۳. مشخص شدن ساختار حوض بیضی شکل با ادامه کاوش در قسمت مرکزی ترانشه ۴



شکل ۱۴. وضعیت حوض در مرکز ترانشه ۴ پس از پایان خاکبرداری.



شکل ۱۵. آغاز کاوش در قسمت شرقی فضای محصور واقع در شمال ترانشه ۴.



شکل ۱۶. آشکار شدن شواهدی از وجود یک بنای زیرزمینی (خانه صلح) پس از برداشتن لایه خاک سطحی.



شکل ۱۷. ادامه خاک برداری و نمایان شدن پلکان شرقی خانه صلح.

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۷۵



شکل ۱۸. یکی از قطعات گچ‌بری پرکار کشف‌شده از کاوش فضای زیرزمینی خانه صلح.



شکل ۱۹. دیوارنوشته سیاسی با مضمون
"این جنایات فاشیستی کیفر عادلانه به دنبال خواهد داشت"
در طاقچه دیوار شمالی پلکان شرقی خانه صلح.



شکل ۲۰. خاکبرداری در قسمت مرکزی فضای محصور و یافته شدن بخش‌های بیشتری از فضای معماری به دست آمده به همراه شعارهای سیاسی نگاشته شده در قسمت داخلی طاقچه‌های خانه صلح.



شکل ۲۱. شعارنویسه با مضمون "... خود دستور دادند خانه صلح را غارت کنند" در کاوش ضلع غربی فضای زیرزمینی قسمت شمالی ترانشه ۴.

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۷۷



شکل ۲۲. قسمت شرقی فضای زیرزمینی ساختمان خانه صلح (دید از جانب جنوبی) و بخشی از تاق تخریب شده آن.



شکل ۲۳. ادامه خاکبرداری در قسمت‌های میانی و غربی فضای زیرزمینی خانه صلح.



شکل ۲۴. وضعیت فضای زیرزمینی خانه صلح پس از اتمام عملیات خوانا سازی و آواربرداری (دید از جانب غرب).

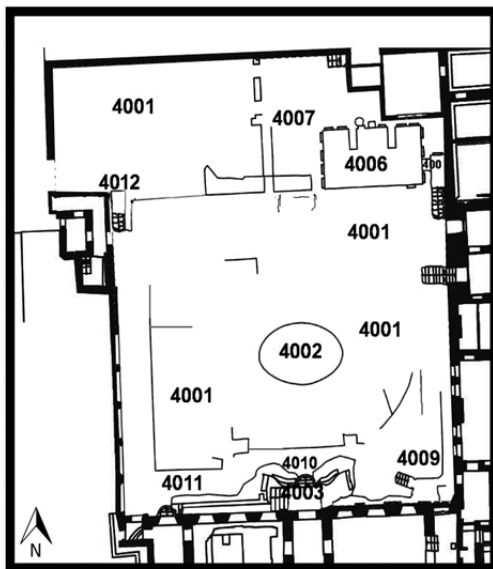


شکل ۲۵. اتمام کاوش در فضای زیرزمینی و آشکار شدن پی‌های آجری بنای خانه صلح در قسمت‌های غربی (پارکینگ).



شکل ۲۶. نمای کلی بقایای خانه صلح پس از اتمام عملیات خوانا سازی (دید از جانب شرقی).

کشف بنای موسوم به "خانه صلح" در کاوش مجموعه تاریخی ... ۷۹



شکل ۲۸. پلان خانه صلح (ترانشه ۴) پس از اتمام عملیات خوانا سازی و آواربرداری



شکل ۲۹. وضعیت کلی بخشی از فضاهای ایوان شرقی خانه صلح (ترانشه ۴) پس از اتمام عملیات خوانا سازی و آواربرداری.